

یادداشت‌هایی درباره واحد - سیستم - تشکل

تشکل و تعیین کیفی، سیستم و ماهیت

هر تعیین کیفی نوین، هر کیفیت نوین خود یک نوع تشکل نوین است. ماده در سیر تکاملی خود درجه‌ها کمی خودش (تعداد، اندازه، وضع و نسبت درونی اجزا خود) تحولی ایجاد میکند. این تحول به تحول کیفی به پدیدایش تشکل و انتظام نوینی منجر میشود. تشکل و انتظام معین از اجزای ماده در مرحله معین تکامل هنگامی است که در میان اجزای روابط قانونمند ویژه و تا "شیرواتا" متقابل که تابع این قانونمندی است پدید آید، یعنی سیستم پدید شود. مفهوم سیستم در مقابل ماده انبوه و تصادفی "agrégat" یا "conglomérat" است. در درون سیستم ارتباط ارگانیک که زائیده سیر تکاملی است حکم می‌یابد.

جهان خود دستگاه بی‌پایانی است مرکب از بی‌نهایت دستگاه‌های مختلف کیفیت تدوین که از جهت بساطت یا پیچیدگی تشکل اجزای آن و یا از جهت نوع ارتباطات و تا میرات متقابل درونی یعنی روابط علی و قوانین مسلط بر آن باهم تفاوت دارند و همه آنها در حرکت دائمی ذاتی خودش در هم تا "شیرکسره"، سیستم‌های پیچیده تری را بوجود می‌آورند. سیستم، دستگاه، منظومه همه اینها مفاهیم همگنند. هسته، اتم، ملکول، پلاخته، بافت، عضو، موجود زنده، جامعه، کره زمین، منظومه شمسی و سیاهی، متاکالانیک همه اینها انواع سیستم‌هایی هستند که ما تا کنون شناخته ایم. ماده در حرکت جاوید خود در تمام تشکلی می‌یابد و هر تشکل نوین موجب کیفیت نوین است. شکل کهن یا کیفیت کهن ماهیت درجه دوم برای شکل نوین بسا کیفیت نوین است. لذا با سیر ماده به پیش ماهیت عمیق‌تر و تاریخ آن متراکم‌تر میشود. مثلاً روانشناسی را باید بدارک فیزیولوژی انسان و فیزیولوژی را بدارک بیولوژیسم و بیولوژی را بدارک شیمیسم و شیمی را بدارک فیزیک اشیا و فیزیک اشیا را بدارک مکانیک (اعم از نیوتن یا کوانتا یا انواع دیگر مکانیکها) فهمید. سیر ما در ماهیت در واقع سیر ما در تاریخ تشکل و انتظام ماده، سیر ما در تاریخ سیستم‌هاست.

واحد‌ها

هر سیستم دارای واحد خاص خود است و سیستم دائمی و سیستم عالی واحد قرار می‌گیرد. این واحد‌ها

آجرهای مشکله سیستم هستند. از اینجاست که شخصیت و تمین کیفی کیفیت نوین آغاز میشود.

سیستمهای همگون که قط از يك واحد بسیط تشکیل شده باشد وجود ندارند. مثلا بدن انسان در درجه اول از واحد عضو پاراکائسیم (مانند مغز، قلب، جهاز هاضمه، جهاز تنفس، عروقی، شرايين و غيره) تشکیل شده، اعضا از انواع نسج های عصبانی، استخوانی، دومی، لفظی و غیره، نسج از انواع سلولها سلولها از انواع ترکیبات شیمیائی بفرنج (پروتوپلاسم، هسته، قشر و غیره)، خود آنها از انواع ملکوکهای بسیط و مرکب (الومین و اسید ریبونوکلئیک و غیره)، ملکولها از انواع آنها و آنها از انواع ذرات اولیه و ریزانسیها. تازه خود انسان واحدی است در درون طبقه، طبقه واحد است در نسج اجتماعی طبقاتی یک کشور و خود آن واحد است در اجتماع بشری و اجتماع بشری خود واحد است در نوع "پستانداران" و خود آن واحد است در نوع جانوران دند و هر و خود آن واحد است در نوع جانوران و جانوران خود واحدی هستند از موجودات زنده و موجود زنده خود واحد است از موجودات کره ماور زمین ماخود واحد است از منظومه شمسی و منظومه شمسی خود واحد است از سیستم محلی "لبر" و سیستم محلی خود واحد است در داخل سحابی ما و سحابی ماخود واحد است از ستارگان لاکتیک ما که خود واحد است از جهان بی پایان.

بدون شك این يك شمایه نوقالعاده بسیطی از نظره بی حد بفرنج سیرماده است ولی میتواند تصویری از روابط جهان بزرگ و كوچك و تنوع واحد ها بدهد. هر سیستم دانی در داخل این رسته سیستم ها واحد است برای سیستم عالیتر. هر چه سیستم بفرنج تر، تعداد واحد های ناهمگون درونی بیشتر است. هر تشكیل نوین کیفیت نوینی است که بر روی کیفیت ها (ماهیت) های تاریخی خود متکی است. در هر سیستم خواه مادی و خواه معنوی واحد هائی وجود دارند.

چنانکه گفته سیستم بسیط و دارای واحد های همگون در جهان وجود ندارد و سیستم هایی نهی است بفرنج و تدریجاً هستند دارای سیستم های تابع پاماهیت های درجه دوم و سوم و ... الخ هستند که هر يك دارای واحد است. وجود واحد ها در سیستم ها پایه انصالی (پایه بیان د پركوانتیک بودن) وجود است. واحد یا جز مشخصات كل را معكس میکند ولی غیرانست یعنی كل جمع مكانیکی و ریاضی واحد نیست. واحد یا جز یعنی آخرین و كوچكترین تمین کیفی کیفیت معین نه يك بخش مكانیکی پارایضی آن.

مسئله وحدت جز و كل از همینجاست. كل مجموع جز است و بدون جز وجود ندارد ولی غیراز جز است. دریا مجموع قطرات است ولی در قطره نمیتوان کشتی راند. جامعه مجموع افراد است ولی در فرد بحیران اقتصادی رخ نمیدهد و نبرد طبقاتی وجود ندارد.

نظم و هماهنگی و استواری سیستم

هر سیستم يك تشكیل و هر تشكیل يك نظم و تناسب و هماهنگی معینی بین اجزا است. سیراز يك سیستم به سیستم دیگر نقطه در نتیجه عوامل قوی موثر درونی و برونی، بسط عمیق تضاد های درونی و برونی است. سیر از يك سیستم مشكل به مرحله عالیتر و بفرنجتر از دالان هماهنگی (chaos) میگذرد. جریسان بدینقرار است:

- (۱) در سیستم A تناسب و انتظام معینی وجود دارد
- (۲) تضاد در درون سیستم در اثر تاثيرات داخلی و خارجی خود اجزا یا سیستمهای دیگر شروع میشود، تحولات نامشهودی آغاز میگردد. برای آنکه هارمونی و نظام عالیتری ایجاد کند.
- (۳) سیستم A وارد دوران تحولات آشکار، انفجاری یا جهشی میشود
- (۴) دوران هماهنگی (chaotique) در سیستم A آغاز میگردد زیرا عوامل کهنه مانع بروز نظام نوین است
- (۵) در این دوران هسته های سیستم B (بفرنجتر و عالیتر) پدید میشود

۱) بد ریج سیستم B پد پی می آید .

لذا سیراز هرمنظمی به نظمی نتیجه سیر از درون هیا* و کائوس است. نظم و هیا* زوج متضاد د پالکتیکی است که در عین حال با یکدیگر وجودت دارند. جامعه شناسی، پژوهشی هرمنوع انقلابی را بمنصو ان نوی تخریب ستروکتور معین (destructurisation) رد میکند. ترد پی نیست که این سخن منافی با طبیعت حرکت و تحول است.

ما بین نوع تشکل (یعنی تناسب موجود بین واحد ها و بین سیستمهای تابع از جهت کمی) و کیفیت سیستم رابطه مستقیم برقرار است. با استفاد ه از قانون معروف پوتروف در شبمی میتوان چنین قانونی را در مورد هرگونه تشکل ، هرگونه سیستمی بیان کرد :

هر تشکلی در طبیعت و جامعه که در جریان تکامل پد پی شود و کیفیتی نوین را عرضه دارد تشکلی با پد اریست که تحول آن به تشکل عالیتر طی یک پروسه طولانی (مبارزه آگاهانه یا خود بخودی ، سیر قهری یا مسالمت آمیز) انجام میگردد. مخول کردن تشکل کهن و ایجاد تشکل جدید پیوسته صرف انرژی عظیم طبیعی یا اجتماعی را ضرور میسازد. این استحکام و استواری پائیات تشکل معین یا بمهارت د پکر انرژسی سیستم د و نکته را ثابت میکند :

۱) پد پی هیا و تعینات کیفی معین ثبات و استواری نسبی دارند.

۲) تحول نشیخه صرف انرژی است و در جامعه تنها انرژی متشکل انقلابی میتواند سر بهترین تحولات را ایجاد کند.

میتوان (بویژه در عرصه اجتماع) یک کورس اجباری ، یک نظم اجباری که مبتنی بر پیوند قانونی و تکاملی اجتماع نیست ایجاد کرد ولی این نوع نظامات بمحض برداشته شدن عامل زور و قهر از هم میپاشند. تشکلی استوار تنها تشکلی است که در مسیر تکاملی جامعه جای گیرد و پیوند های آن مبتنی بر مقتضیات ضرورتها و قوانین رشد جامعه باشد یعنی پیوند ارگانیک باشد نه مکانیک.

توجه به چگونگی سیر ماده از ساده به پخرنج و اشکال آن با تئوری تشکل (تئوری سیستم) و اشکال پد ایش و کیفیت های نوین ، ماهیت های نوین و رده بندی وجود که مفاهیم انتزاعی ما از آن ناشی میشوند مسئله بسیار مهمی است و باید پد آن توجه کرد.

مسائل استواری ارگانیک سیستم ، قانون تحول یک سیستم بر اساس صرف انرژی برای مختل کردن سیستم کهن و ایجاد سیستم نوین در مسیر تکامل ، مسئله واحد ها و وحدت و تضاد جز و کل و غیره و غیره همه مسائلی است از لحاظ د پالکتیک و از جهت پراتیک بسیار مهم. قانون استواری ارگانیک سیستم ما را در پراتیک از هرگونه فتنه سازین و اغراق در اسالیب مکانیکی - مکتارستی بر حذر میدارد و در ساختان جامعه نو ما را بدرك قوانین تکامل ارگانیک جامعه و اتخاذ آنچنان اسالیب و شیوه های کاریکه سیستم را هرچه بیشتر تحکم نماید متوجه میدارد. قانون تحول سیستم بر اساس صرف انرژی ما را از هرگونه ساده گرفتن امر تحول اجتماعی بر حذر میکند . . . الخ . لذا احتیاط است اگر تصور شود مطالعه دقیق ستاتیک سیستم ها ، ستروکتور سیستم هسا ، تئوری سیستم ها یک مطالعه صرف نظری است.